



لحظه وداع همیشگی با امام

مشغول فیلمبرداری هستند. تابوت امام را مردم بعد از خالی شدن می قاپند و عده‌ای خود را روی آن می اندازند. لحظه وداع همیشگی با امام است. دلها از او کنده نمی شود. عده‌ای هنوز تابوت را در دست دارند و شیون می کنند. آخر چگونه می شود از او دل برداشت. گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم عزاداری، شیون و سینه زنی تا ساعات بعد همچنان ادامه دارد.... بدن امام در آرامگاه همیشگی در بهشت زهرا آرام می گیرد. شلیک گلوله‌های توپ آغاز می شود. گروه سرود، مارش غم انگیز، سرود «ای مجاهد شهید مطهر» را می نوازند و جمعیت با آهنگ آن می گرید و بر سر و روی می کوبد. روی بدن مطهر امام را که با خاک می پوشانند هلیکوپترها هر سه با هم بلند می شوند و شخصیت‌ها را با خود می برند. تازه در این هنگام است که جمعیت بیرون راه باز می کنند و وارد حرم می شود. گلوله‌های توپ همچنان شلیک می شوند....»

ساعت ۴ و ۳۲ دقیقه یک هلیکوپتر دیگر می نشیند. داخل آن حجت الاسلام ناطق نوری در کنار تابوت امام دیده می شود. همین که تابوت پیاده می شود، صدای حسین حسین حاضران با نوازی سرود جمهوری اسلامی که به وسیله گروه سرود زاندارمری نواخته می شود به هم می آمیزد. تابوتی که بدن امام است در آن قرار گرفته به شکل صندوقی فلزی است. غوغایی درمی گیرد. تابوت حامل پیکر مقدس امام به بالای مقبره می آید و مارش غم انگیزی بلافاصله بعد از سرود جمهوری اسلامی زده می شود. همه می گریند، همه فغان می کنند. اشک‌ها یک لحظه هم بند نمی آید. قلب همه تاریخ انقلاب از پانزدهم خرداد سال ۴۲ تا بهمن ۵۷ و از آن موقع تاکنون به خاک سپرده می شود. احساسات حاضران واقعاً وصف نشدنی است. هیچ کس حال خود را نمی فهمد. آنهایی که جلوترند سعی می کنند دستمالی، پارچه‌ای چیزی را به بدن امام بزنند و آن را برای آخرین بار تبرک کنند. فیلمبرداران تلویزیون هر کدام بر دوش یک نفر

بررسی قبر توسط فرزند امام

مدفن به اوج رسیده و هرازگاهی که شیشه‌ای آب به داخل می آید با هجوم تشنگان مواجه می شود. ساعت ۴ و ۱۴ دقیقه یک بار دیگر هلیکوپتری می نشیند و باز به سرعت زنجیر بسته می شود. هر بار که هلیکوپتری فرود می آید طوفانی از گرد و خاک بلند می شود و تا چند دقیقه هیچ چیز قابل رؤیت نیست. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در هلیکوپتری است که همین الان فرود آمده. هلیکوپتر نزدیک مقبره است. یک راه که از زنجیری از پاسداران تشکیل شده از مقبره به سوی آن بازمی شود. ساعت ۴ و ۲۵ دقیقه هلیکوپتر همچنان روشن است. ساعت ۴ و ۲۷ دقیقه گروه سرود زاندارمری کاملاً در کنار مقبره قرار می گیرد. ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه یک هلیکوپتر دیگری می نشیند و حجت الاسلام سید احمد خمینی فرزند امام از آن پیاده می شود و هلیکوپتر بلافاصله برمی خیزد. حجت الاسلام سید احمد خمینی با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و آیت الله موسوی اردبیلی برای یک لحظه بالای مقبره می آیند و بعد به عقب برمی گردند.

ساعت ۳ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بار دیگر یک هلیکوپتر در محوطه می نشیند و بلافاصله برمی خیزد. هیجان وصف ناپذیری دوباره بر دلها حکمفرما می شود، اما با برخاستن مجدد هلیکوپتر باز همان حالت انتظار بار دیگر به حاضران دست می دهد. سه دقیقه بعد مجدداً هلیکوپتری در نزدیکی مقبره می نشیند و باز بلافاصله بلند می شود. ساعت ۳ و ۴۴ دقیقه بعد از ظهر یک بار دیگر هلیکوپتری می نشیند. دور مقبره زنجیری از نیروهای کمیته و پاسداران بیت حضرت امام که از آن پیاده می شوند کشیده می شود. چند هلیکوپتر دیگر بر فراز محوطه می چرخند. بعد از سه دقیقه هلیکوپتر مجدداً برمی خیزد. ما در فاصله شش هفت قدمی مقبره در ارتفاع حدود یک و نیم متری نشسته ایم و درون زنجیری که نیروها بر دور مقبره کشیده اند قرار داریم. زنجیر پس از چند دقیقه گشوده می شود. ساعت ۴ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر است. یک ربعی هست که خبری نیست. هلیکوپترها گاه گاهی بالای محوطه به پرواز درمی آیند. تشنگی در میان افراد حاضر در صحن



از دحام عجیب

در گوشه و کنار تعدادی از معلولان انقلاب و جنگ دیده می شوند که با چرخ‌های خود در صحن حضور دارند. حضور این عده واقعاً معلوم نیست چگونه با این ازدحام عجیب ممکن شده است. آفتاب انگار هر لحظه شدیدتر می تابد. هلیکوپتر حامل فیلمبرداران، عکاسان و خبرنگاران خارجی مرتباً از بالای جایگاه عبور می کند. از بیرون صدای آژیر ممتد آمبولانس‌ها شنیده می شود. خاک و آهک لازم برای پوشاندن روی لحد با گلاب قمصر مخلوط می شود و آماده می گردد. هلیکوپتری از بالا به روی جمعیت آب می پاشد. ساعت ۳ و ۲۹ دقیقه بعد از ظهر هنوز هلیکوپتر حامل بدن پاک امام نشسته و نیروهای کمیته بشدت مشغول متفرق کردن افراد از داخل محوطه صحن و هدایت آنها به بالای کانتینرها هستند. حتی ما گزارشگران هم از دسترس آنها دور نمی مانیم و بارها این طرف و آن طرفمان می کنند. گروه سرود زاندارمری در جایگاه استقرار یافته است. حالا نیم ساعتی است که دیگر از هلیکوپترها خبری نیست. تعدادی امدادگر با بالاپوش سفید که آرم هلال احمر روی آن است در گوشه و کنار دیده می شوند. تشنگی بدجوری در فضای صحن فشار می آورد، محصور بودن این منطقه از چهار طرف اجازه ورود آب را نمی دهد. چند آب پاش از بیرون از چهار دیواری حرم به داخل آب می پاشند.

